نقش تعدیل‌کننده تعامل والد - فرزند در ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی

ملاحت امانی[۱*]، ربابه نعمتی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی تعامل والد - فرزند در ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی شهر بجنورد و والدین آنها بود. تعداد ۳۷۲ دانش آموز دوره‌ی دوم ابتدایی به‌صورت نمونه-گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌های فرزندپروری آلاباما (فریک، ۱۹۹۱)، تعامل والد ـ فرزندی (لانگ و همکاران، ۲۰۰۲) و مقیاس درجه‌بندی مشکلات رفتاری (کانرز، ۱۹۹۰) توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد. داده‌ها از طریق همبستگی و تحلیل رگرسیون «هایس» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ابعاد تنبیه بدنی و عدم نظارت فرزندپروری به‌طور مثبت و ابعاد فرزندپروری مثبت و مشارکت به‌طور منفی با مشکلات رفتاری همبستگی داشت. همچنین تعامل والد-فرزند به‌طور منفی با مشکلات رفتاری مرتبط بود. نتایج تحلیل رگرسیون هایس نشان داد که تعامل والد با فرزند، تعامل فرزند با مادر و تعامل فرزند با پدر روابط بین ابعاد فرزندپروری ضعف نظارت، تنبیه جسمانی، مشارکت والدین و فرزندپروری مثبت و مشکلات رفتاری را تعدیل می‌کند. نتایج حاکی از آن است که زمانی که تعامل والدین و فرزندان قوی باشد، شیوه‌های ناکارآمد نظارت ضعیف و تنبیه جسمانی، مشکلات رفتاری را افزایش نمی‌دهد. همچنین با وجود فرزندپروری مثبت، اگر تعامل قوی با فرزندان وجود نداشته باشد، مشکلات رفتاری کاهش نمی‌یابد. بنابراین میزان تأثیرگذاری فرزندپروری بر مشکلات رفتاری تحت تأثیر نحوه تعامل والد-فرزند است.

واژگان کلیدی: فرزندپروری، تعامل والد - فرزند، مشکلات رفتاری

۱. دانشیار روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: m.amani@uma.ac.ir

۲. دبیر آموزش و پرورش خراسان شمالی، دانشگاه آزاد، واحد بجنورد، بجنورد، ایران.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مقدمه

مشکلات رفتاری، نقایص شدید رفتاری می‌باشد که به دلیل عدم تمایل یا ناتوانی در رعایت قوانین رفتاری و ضعف در مهارت‌های اجتماعی، اثرات منفی بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی می‌گذارد (کافمن و لندروم[1]، ۲۰۰۹). مطالعات نشان می‌دهد حدود ۱۶ درصد از کودکان مدرسه‌ای دارای مشکلات رفتاری هستند (جهانی و همکاران، ۱۳۹۷).

طیف گسترده‌ای از عوامل مرتبط با رشد و تداوم مشکلات رفتاری شناخته شده است، با این حال، قوی‌ترین عامل خطر قرارگیری در معرض فرزندپروری ناکارآمد است (پرینز و جونز[2]، ۲۰۰۳). فرزندپروری ناکارآمد شامل شیوه-های انضباطی خشن و بی‌ثبات، نظارت ضعیف بر فرزندان، سطوح پایینی از مشارکت مثبت با فرزندان و استفاده بیش از حد از تنبیه بدنی است (فریک[3] و همکاران، ۱۹۹۲). مطالعات نشان داده است که شیوه‌های فرزندپروری خشن و بی‌ثبات ۳۰ تا ۵۰ درصد از واریانس رشد رفتارهای ضداجتماعی را تبیین می‌کند (کاپالدی و پترسون[4]، ۱۹۹۴). والدین سخت‌گیر و با شیوه‌های انضباطی خشن بیشتر احتمال دارد دارای فرزندان با پرخاشگری و مشکلات رفتاری برون‌سازی شده باشند (کانگر[5] و همکاران، ۲۰۰۳). دادس، ماجین و فراسر[6] (۲۰۰۳) نیز نشان دادند که تنبیه بدنی و ضعف نظارت با مشکلات رفتاری کودکان و نوجوان رابطه‌ی مثبتی دارد. مطالعات همچنین نشان داده‌اند که فقدان نظارت عدم مشارکت با فرزندان پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی مشکلات رفتاری است (اسپیلمن و باری[7]، ۲۰۰۹؛ مارتینسون[8]، ۲۰۱۱). ساطوریان، طهماسیان و احمدی (۱۳۹۵) در مطالعه نشان دادند نظارت ضعیف و تنبیه جسمی به‌طور معناداری مشکلات رفتاری درون‌سازی و مشارکت والدین و تنبیه جسمانی، مشکلات رفتاری برون‌سازی را پیش‌بینی می‌کند. بد رفتاری والدین، کودکان را از ایجاد دلبستگی نسبت به مراقبان و دستیابی به مهارت‌های رشد و اجتماعی شدن مناسب باز می‌دارد که منجر به رفتارهای مخرب می شود (هیبارد[9] و همکاران، ۲۰۱۲).

مطالعات فراتحلیل ارتباط بین جنبه‌های مثبت والدین (گرمی بیشتر و خصومت کمتر) و سازگاری مثبت‌تر مانند پرخاشگری کمتر (کاواباتا[10] و همکاران، ۲۰۱۱؛ کوپنس[11] و همکاران ،۲۰۱۳) و مشکلات رفتاری درونی‌سازی کمتر

1. Kauffman & Landrum
2. Prinz & Jones
3. Frick
٤. Capaldi & Patterson
٥. Conger
6. Dadds, Maujean, and Fraser
7. Spielman, & Ben-Ari
8. Martinussen
9. Hibbard
10. Kawabata
11. Kuppens

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

(یاپ[1] و همکاران، ۲۰۱۴) را اثبات کرده‌اند. فرگوسن[2] (۲۰۱۳) در فراتحلیلی از مطالعات طولی، همبستگی مثبتی بین سطوح اولیه از فرزندپروری خشن با مشکلات رفتاری برونی‌سازی را یافتند. مک نیلی و باربر[3] (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای روی نوجوانان در ۱۲ گروه فرهنگی از آفریقا، آسیا، استرالیا، آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا و خاورمیانه دریافتند که والدین در همه‌ی گروه‌ها عشق به فرزند را با دادن چیزهای کمیاب و ارزشمند نشان می‌دهد اما ماهیت این چیزها مثل زمان، حمایت برای تحصیل در بین گروه‌ها متفاوت است. ارتباط بین گرمی بیشتر والدین و مشکلات رفتاری کمتر نوجوانان در بسیاری از کشورها اثبات شده است (روهنرو لاسنفورد[4]، ۲۰۱۷). سوزوکی[5] و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند پس از کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی و تشخیص اختلالات رشدی، هر سه سبک فرزندپروری ناکارآمد مستبدانه، سهل‌گیر و مسامحه‌کار دارای ارتباط قوی با مشکلات رفتاری کودکان بود. در یک مطالعه‌ی فراتحلیلی اخیر بر روی ۱۴۳۵ مطالعه، نتایج نشان داد که گرمی والدین، کنترل رفتاری، اعطای خودمختاری و شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با مشکلات رفتاری ارتباطات طولی و همزمان منفی خیلی کوچک تا کوچک داشت. در مقابل، کنترل خشن، کنترل روان‌شناختی، فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیر و مسامحه‌گر با سطوح بالاتری از مشکلات رفتاری همراه بود (پینکوارت[6]،۲۰۱۷). در مطالعات ایرانی نیز اثبات شده است که سبک فرزندپروری مقتدرانه هم با مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده، رابطه‌ی منفی معنادار دارد. سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تنها با مشکلات رفتاری درونی‌سازی رابطه‌ی مثبت معنادار داشت (شفیع‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، عباس قربانی و نقدی، ۱۳۹۹).

تحقیقات اخیر علاوه بر نقش فرزندپروری به نقش خود کودک هم در مشکلات رفتاری توجه می‌کنند. برای نمونه لانسفورد[7] و همکاران (۲۰۱۸) اثرات فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان ۸ تا ۱۳ ساله را در ۹ کشور (چین، کلمبیا، ایتالیا، اردن، کنیا، فیلیپین، سوئد، تایلند و ایالت متحده) بررسی کردند و نشان دادند که در چگونگی ارتباط گرمی و کنترل والدین با مشکلات رفتاری کودک در طول زمان، نقش کودکان تأثیرگذارتر ازنقش والدین است. رینک[8] (۲۰۱۱) دریافت که پیش‌بینی مهم مشکلات رفتاری کودکان، ادراکات مثبت و منفی مادران از فرزندانشان و استفاده محدود آنها از شیوه‌ی فرزندپروری مناسب است. بنابراین، مشکلات رفتاری می‌تواند بیشتر حاصل نحوه‌ی ارتباط والدین با کودک باشد و تحقیقات حاکی از ارتباط نحوه تعامل والد-کودک با سازگاری

1. Yap
2. Ferguson
3. McNeely & Barber
4. Rohner & Lansford
5. Suzuki
6. Pinquart
7. Lansford
8. Renk

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

عاطفی و رفتاری در دوران کودکی و نوجوانی است (اسکاراملا و لیو[1]، ۲۰۰۴). رابطه‌ی والد - فرزند معرف اولین تعامل کودک با دنیای ارتباطات است، احساس عشق، صمیمت و امنیت در این رابطه ریشه دارد (کارنز -هولت[2]، ۲۰۱۲). روابط گرم و صمیمی با فرزندان با پیامدهای مثبت در رفتار فرزندان و رفتارهای منفی و کنترل کننده‌ی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان مرتبط است (جیوردانلو[3] و همکاران، ۲۰۱۶؛ فنینگ و بیکر[4]، ۲۰۱۲). برقراری محیط گرم و صمیمی در خانواده و رابطه‌ی محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان عاملی جهت کاهش پرخاشگری و مشکلات برون‌سازی شده کودکان است (بروتمان[5] و همکاران، ۲۰۰۹). زیرا در این صورت کودک به‌طور مثبت بیشتر مورد توجه قرار گرفته و نیاز ندارد که به‌وسیله‌ی رفتارهای منفی توجه والدین و دیگران را جلب کند (شی و هینشاو[6]، ۲۰۰۲). پولاین[7] و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای دریافتند که تعاملات زیاد والد- فرزند با مشکلات رفتاری کمتر، مشکلات ارتباطی کمتر با همسالان و رفتارهای جامعه یار کودکان مرتبط است. پاکدامن و همکاران (۱۳۹۰) دریافتند که رابطه‌ی مثبت توأم با اعتماد میان والدین و نوجوان با مشکلات رفتاری همبستگی منفی دارد در حالی‌که بیگانگی از والدین با مشکلات رفتاری همبستگی مثبتی دارد. تعامل‌هایی همراه با تعارض، خصومت متقابل، بدبینی و مهار بیش از حد و خشونت در آسیب‌های روانی دوران کودکی نقش دارد (هالنشتاین[8]، ۲۰۰۴). مطالعات انجام شده در ایران نیز تأیید کردند که تعارض با والدین مشکلات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۵؛ راد و همکاران، ۱۳۹۷).

نحوه‌ی تأثیرگذاری تعامل والد - فرزند از طریق نظریه‌ی طرد- پذیرش به خوبی تبیین شده است. در نظریه‌ی طرد پذیرش والدینی فرض بر آن است که انسان‌ها به ادراک پذیرش و طرد والدینی به شیوه‌ی خاصی پاسخ می‌دهند، این نظریه، پیش‌بینی می‌کند که ادراک طرد از سوی افراد معنادار به ویژه چهره‌های دلبستگی می‌تواند منجر به اضطراب و حس ناایمنی شود. نتایج پژوهش روهنرو خالکی[9] (۲۰۰۲) تأیید می‌کند که ادراک طرد - پذیرش والدینی در دوران کودکی با ویژگی‌های شخصیتی رابطه‌ای دارد. کودکانی که از طرف والدین خود پذیرفته می‌شوند به احتمال زیاد رفتارهایی نظیر خصومت و پرخاشگری کمتر، اعتماد به نفس بالاتر، خودکفایی مثبت‌تر، ثبات عاطفی بیشتر، پاسخگویی هیجانی بیشتر و جهان‌بینی مثبت‌تر را بروز می‌دهند و وقتی از طرف والدین طرد می‌شوند رفتارهای نظیر اعتماد به نفس کمتر، وابستگی بیشتر، بی‌ثباتی عاطفی، احساس بی‌کفایتی، عدم پاسخ‌های عاطفی و جهان‌بینی منفی را نشان می‌دهند.

1. Scaramella, & Leve
2. Carnes-Holt
3. Giordano
4. Fenning, & Baker
5. Brotman
6. Chi & Hinshaw
7. Poulain
8. Holenstein
۹. Khaleque

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

در کل اگرچه مطالعات گذشته، ارتباط شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والد - فرزند با مشکلات رفتاری را بررسی کرده‌اند با وجود این، نقش تعدیل‌گر تعامل والد- فرزند در ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری، بررسی نشده است. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال بررسی این موضوع بود که آیا نحوه‌ی تعامل والد-فرزند می‌تواند اثرات شیوه‌های فرزندپروری را بر مشکلات رفتاری تحت تأثیر قرار دهد.

روش تحقیق

با توجه به این‌که تحقیق حاضر به دنبال مطالعه‌ی نقش تعامل والد - فرزند در روابط بین شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری بود، بنابراین از روش تحقیق حاضر توصیفی- همبستگی استفاده شد.

جامعه و نمونه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل همه‌ی والدین و دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی شهر بجنورد بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. حجم جامعه، شامل ۹۸۵۲ نفر بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جامعه‌ی محدود ۳۷۳ نفر محاسبه شد (دلاور، ۱۳۹۹).

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{9852(1/96)^2(0/5)(0/5)}{9852(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)(0/5)} = 373$$

به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مدرسه‌ی پسرانه و یک مدرسه‌ی دخترانه از دوره‌ی دوم ابتدایی انتخاب شد. والدین پرسش‌نامه‌های فرزندپروری، مشکلات رفتاری و تعامل والد- فرزند را تکمیل کردند و دانش‌آموزان پرسش‌نامه‌ی تعامل فرزند با پدر و مادر را تکمیل کردند. از نظر پایه‌ی تحصیلی، ۱۱۸ نفر پایه‌ی چهارم، ۱۰۹ نفر پایه‌ی پنجم و ۱۴۵ نفر پایه‌ی ششم بودند.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری آلاباما[۱]: این پرسش‌نامه توسط فریک در سال ۱۹۹۱ توسعه یافت و شامل ۵ خرده‌مقیاس نظارت ضعیف، فرزندپروی مثبت، مشارکت والدین، بی‌ثباتی در شیوه‌های انضباطی، تنبیه بدنی است. این پرسش‌نامه ۴۸ سئوالی دارای فرم والد و فرزند است که در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای پاسخ داده می‌شود. در یک مطالعه بر روی نمونه‌ی بزرگ از کودکان ۴ تا ۹ ساله‌ی استرالیایی، نتایج نشان داد که همسانی درونی نسخه‌ی والدین برای نظارت ضعیف ۰/۵۹، تنبیه ۰/۵۵، مشارکت والدین، ۰/۷۵، فرزندپروری مثبت ۰/۷۷ و بی‌ثباتی در شیوه‌های انضباتی ۰/۷۳ بوده است (دادس و همکاران، ۲۰۰۳). در مطالعه‌ی سامانی (۱۳۹۰)، اعتبار سازه‌ی این پرسش‌نامه از

۱. Alabama Parenting Questionnaire

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

طریق بررسی ساختار عاملی با استفاده از روش تحلیل عاملی بررسی شده است که حاکی از روایی سازه‌ای مناسب آن است. در پژوهش سامانی، متوسط ضریب همبستگی عوامل با یکدیگر ۰/۷۱ و متوسط ضریب همبستگی عوامل با نمره‌ی کل پرسشنامه‌ی فرزندپروری ۰/۵۵ بوده است. همچنین ضریب پایایی بازآزمایی برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ی ۰/۷۵ تا ۰/۸۷ و ضریب همسانی درونی در دامنه‌ی ۰/۵۲ تا ۰/۸۶ گزارش شده است. در تحقیق حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد.

تعامل والد ـ فرزندی[۱]: پرسشنامه‌ی تعامل والد ـ فرزند برای ارزیابی ادراک والدین از رابطه‌ی خود با فرزندانشان و ادراک فرزندان از رابطه‌ی خود با والدینشان طراحی شده است. گویه‌های این پرسش‌نامه به رفتار و احساسات بین‌فردی مربوط می‌شود و شامل ۲۱ گویه برای والدین ۲۵ گویه برای فرزند و دارای دو خرده مقیاس پذیرش و حل تعارض می‌باشد. پاسخ‌دهی به سئوالات بر اساس مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای (۱- کاملاً مخالفم تا ۵- کاملاً موافقم) می‌باشد. پایایی همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس حل تعارض، برای مادران ۰/۹۰ و پدران ۰/۹۳، در خرده مقیاس پذیرش برای مادران ۰/۷۹ و پدران ۰/۸۱، در خرده مقیاس حل تعارض، نگرش فرزندان نسبت به پدرانشان ۰/۹۵ و مادرانشان ۰/۹۳ و در خرده مقیاس پذیرش، نگرش فرزندان نسبت به مادرانشان ۰/۷۸ و پدرانشان ۰/۸۰ به‌دست آمده است همچنین آلفای کل برای مادران ۰/۸۶ برای پدران ۰/۹۳ برای نگرش فرزند به مادر ۰/۹۳ و نگرش فرزند به پدر ۰/۹۵ گزارش شده است (لانگ[۲] و همکاران، ۲۰۰۲). عیسی‌نژاد، قاسمی و خندان (۱۳۹۶) ویژگی‌های روان‌سنجی چهار پرسشنامه‌ی تعامل والد - فرزندی را بررسی کردند و از طریق تحلیل عامل تأییدی، وجود ساختار دو عاملی را تأیید کردند و مدل دو عاملی از برازش مناسبی برخوردار بوده است. همچنین همسانی درونی را با استفاده از آلفای کرونباخ در دامنه‌ی ۰/۸۹ تا ۰/۹۷ برای زیرمقیاس گزارش کردند. در تحقیق حاضر ضریب آلفای برای پرسش‌نامه والدین ۰/۸۶ و برای پرسش‌نامه نگرش فرزندان نسبت به مادران ۰/۸۷ و نگرش نسبت به پدران ۰/۸۲ به‌دست آمد.

مقیاس درجه‌بندی کانرز نسخه والدین: این مقیاس برای ارزیابی مشکلات رفتاری کودکان طراحی شده است. این مقیاس ۴۸ سؤالی دارای خرده مقیاس‌های اختلال سلوک، مشکلات روان‌تنی، پرخاشگری اجتماعی، اضطراب - گوشه‌گیری می‌باشد. شیوه‌ی نمره‌گذاری آن بر اساس مقیاس ۴ عاملی لیکرت از هرگز با نمره ۰ تا همیشه با نمره‌ی ۳ نمره‌گذاری شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده آزمون‌های مشکلات سلوک ۰/۹۴، مشکلات روان‌تنی ۰/۹۱، پرخاشگری اجتماعی ۰/۷۰ و اضطراب ـگوشه‌گیری ۰/۹۰ گزارش شده است (کانرز[۳]، ۱۹۹۰). روایی و پایایی

۱. Parent-Child Interaction Questionnaire
۲. Lange
۳. Conners

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

این پرسش‌نامه در ایران بررسی شده است و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۵۸ برای نمره‌ی کل و برای زیرمقیاس‌ها در دامنه‌ی ۰/۴۱ برای مشکلات اجتماعی تا ۰/۷۶ برای زیر مقیاس مشکلات سلوک گزارش شده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل معادل ۰/۷۳ و برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ی ۰/۵۷ برای زیرمقیاس مشکلات اجتماعی تا ۰/۸۶ برای زیر مقیاس اضطراب – خجالتی گزارش شده است. ضرایب پایایی بین نمره‌گذاری پدر و مادر ۰/۷۰ برای نمره کل به‌دست آمده است (شهاییان و همکاران، ۱۳۸۶). ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰/۷۵ به‌دست آمد.

نتایج

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که دامنه‌ی سنی فرزندان ۱۰ تا ۱۳ سال با میانگین سنی ۱۱/۰۴ و انحراف معیار ۲/۱۰ است. همچنین میانگین و انحراف معیار سن مادران به ترتیب ۳۷/۷۲ و ۵/۲۹ و پدران ۴۱/۰۸ و انحراف معیار ۸/۳۱ می‌باشد. ۵۰/۸۰ درصد نمونه را پسران و ۴۹/۲۰ را دختران تشکیل می‌داد. از نظر تحصیلی ۲۴/۱۹ درصد مادران و ۳۱/۹۸ درصد پدران سیکل، ۳۴/۶۸ مادران و ۳۸/۴۴ درصد پدران دیپلم و ۴۱/۱۳ درصد مادران و ۲۹/۵۹ درصد پدران کاردانی و بالاتر بودند. در ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده از نظر شاخص‌های آمار توصیفی چون میانگین و انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی داده‌ها و همبستگی بین متغیرها بررسی شد که نتایج آنها در جدول ۱ آمده است.

مربوط به.جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی با مشکلات رفتاری
ضعف نظارت	۲۲/۹۱	۵/۷۵	۰/۳۱**
عدم ثبات	۱۷/۷۳	۲/۹۲	۰/۰۷
فرزندپروری مثبت	۲۲/۲۴	۵/۲۵	-۰/۴۶**
مشارکت	۳۴/۶۶	۷/۹۹	-۰/۴۲**
تنبیه	۷/۵۴	۳/۱۶	۰/۴۸**
سلوک	۱۳/۰۸	۱۰/۵۶	۰/۹۶**
اجتماعی	۷/۰۴	۶/۲۴	۰/۸۷**
اضطرابی	۵/۳۵	۳/۵۶	۰/۸۰**
روان تنی	۶/۳۸	۵/۷۶	۰/۸۳**
کل مشکلات رفتاری	۳۵/۴۳	۲۶/۱۴	۱
تعامل والد با فرزند	۷۵/۵۵	۱۳/۵۵	-۰/۷۹**
تعامل فرزند با مادر	۹۰/۵۱	۱۸/۷۱	-۰/۶۱**
تعامل فرزند با پدر	۹۱/۸۴	۱۷/۷۴	-۰/۷۵**

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

جدول ۱ همبستگی متغیرهای مستقل شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والد با فرزند و تعامل فرزند با والدین را با مشکلات رفتاری نشان می‌دهد که نتایج حاکی از این است که ضعف نظارت و تنبیه جسمانی با مشکلات رفتاری همبستگی مثبت دارد و فرزندپروری مثبت و مشارکت والدین، تعامل والد با فرزند و تعامل فرزندان با والدین با مشکلات رفتاری همبستگی با مشکلات رفتاری همبستگی منفی دارد.

ازآن‌جایی که تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی تعامل والد – فرزند در ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون تعدیل‌گر باید استفاده می‌شد که با توجه به این‌که هر دو متغیر مستقل و متغیر تعدیل‌گر از نوع مقیاس فاصله‌ای بودند از رگرسیون هایس[1](۲۰۱۸) استفاده شد. متغیر مشکلات رفتاری به عنوان متغیر وابسته، شیوه‌های فرزندپروری و تعامل والد – فرزند به عنوان متغیرهای پیش‌بین، تعامل متغیر رابطه‌ی والد – فرزند با شیوه‌های فرزندپروری به عنوان تعدیل‌گر در نظر گرفته شدند. با توجه به فقدان همبستگی معنی‌دار بی‌ثباتی در شیوه‌های انضباطی با مشکلات رفتاری، این بعد در تحلیل رگرسیون وارد نشد.

جدول۲: نقش تعدیلگر تعامل والد با فرزند در روابط شیوه های فرزندپروری و مشکلات رفتاری

مدل	متغیرهای پیش بین	T	R	R^2(F)	R^2 change(F)
۱	ضعف نظارت	۳/۶۰**	۰/۸۰	۰/۶۴(۲۰۷/۰۵**)	۰/۰۱(۹/۶۵**)
	تعامل والد با فرزند	-۲/۳۹**			
	ضعف نظارت×تعامل والد با فرزند	-۳/۱۰**			
۲	فرزندپروری مثبت	-۴/۰۴**	۰/۸۰	۰/۶۴(۲۱۰/۲۷**)	۰/۰۱(۱۱/۴۲**)
	تعامل والد با فرزند	-۸/۹۴**			
	فرزندپروری مثبت×تعامل والد با فرزند	۳/۳۷**			
۳	مشارکت	-۳/۸۲**	۰/۸۱	۰/۶۴(۲۱۲/۲۴**)	۰/۰۰۹(۹/۳۰**)
	تعامل والد با فرزند	-۸/۵۹**			
	مشارکت×تعامل والد با فرزند	۳/۰۵**			
۴	تنبیه	۳/۱۵**	۰/۸۰	۰/۶۴(۲۰۵/۴۰**)	۰/۰۰۸(۷/۶۸**)
	تعامل والد با فرزند	-۶/۳۷**			
	تنبیه×تعامل والد با فرزند	-۲/۷۷**			

1. Hayes

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

تحلیل رگرسیون تعدیل‌گر برای بررسی نقش تعدیل‌کنندگی تعامل والد با فرزند در روابط بین شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری صورت گرفت. همان‌طوری که جدول ۲ نشان می‌دهد، تعامل والد با فرزند، فرزندپروری مثبت و مشارکت با والدین به‌طور منفی مشکلات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند در حالی‌که ضعف نظارت و تنبیه جسمانی به‌طور مثبت مشکلات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند. همچنین جدول ۲ نشان می‌دهد که تعامل والد به فرزند به‌طور معنی‌داری روابط بین شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری را به‌طور معنی‌داری تعدیل می‌کند. بدین صورت که با وجود فرزندپروری مثبت اگر تعامل

والد با فرزند ضعیف باشد، مشکلات رفتاری همچنان بالا خواهد بود، به علاوه اگر والد از شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد استفاده کنند ولی تعامل قوی با فرزندان داشته باشد، میزان مشکلات رفتاری افزایش نخواهد یافت.

جدول ۳: نقش تعدیلگر تعامل فرزند با مادر در روابط شیوه های فرزندپروری و مشکلات رفتاری

مدل		T	R	R^2(F)	R^2 change(F)
۱	ضعف نظارت	۲/۵۱**	۰/۶۲	۰/۳۹(۷۴/۸۵**)	۰/۰۰۶(۳/۵۴)
	تعامل فرزند با مادر	-۱/۰۶			
	ضعف نظارت×تعامل فرزند با مادر	-۱/۸۸			
۲	فرزندپروری مثبت	-۴/۱۲**	۰/۶۴	۰/۴۰(۷۷/۲۴**)	۰/۰۲(۱۱/۸۷**)
	تعامل فرزند با مادر	-۶/۴۱**			
	فرزندپروری مثبت×تعامل فرزند با مادر	۳/۴۴**			
۳	مشارکت	-۳/۱۴**	۰/۶۲	۰/۳۹(۷۲/۴۵**)	۰/۰۱(۷/۳۰**)
	تعامل فرزند با مادر	-۵/۶۶**			
	مشارکت×تعامل فرزند با مادر	۲/۷۰**			
۴	تنبیه	۳/۳۴**	۰/۶۸	۰/۴۷(۹۹/۲۷**)	۰/۰۰۳(۱/۷۷)
	تعامل فرزند با مادر	-۳/۹۴**			
	تنبیه×تعامل فرزند با مادر	-۱/۳۳			

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

جدول ۳ نشان می‌دهد که هر چند تعامل مادر با فرزند مشکلات رفتاری به‌طور منفی پیش‌بینی می‌کند ولی تعامل فرزند با مادر، روابط نظارت ضعیف و تنبیه بدنی با مشکلات رفتاری را تعدیل نمی‌کند در حالی‌که تعامل فرزند با مادر، روابط مشارکت و فرزندپروری مثبت با مشکلات رفتاری را تعدیل می‌کند. یعنی اگر مادر از شیوه‌های ناکارآمد فرزندپروری استفاده کند، نحوه‌ی تعامل فرزند با مادر، میزان مشکلات رفتاری را تغییر نخواهد داد اما اگر مادر از شیوه‌ی فرزندپروری کارآمد استفاده کند، نحوه‌ی تعامل فرزند با مادر، میزان مشکلات رفتاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

جدول ۴: نقش تعدیلگر تعامل فرزند با پدر در روابط شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری

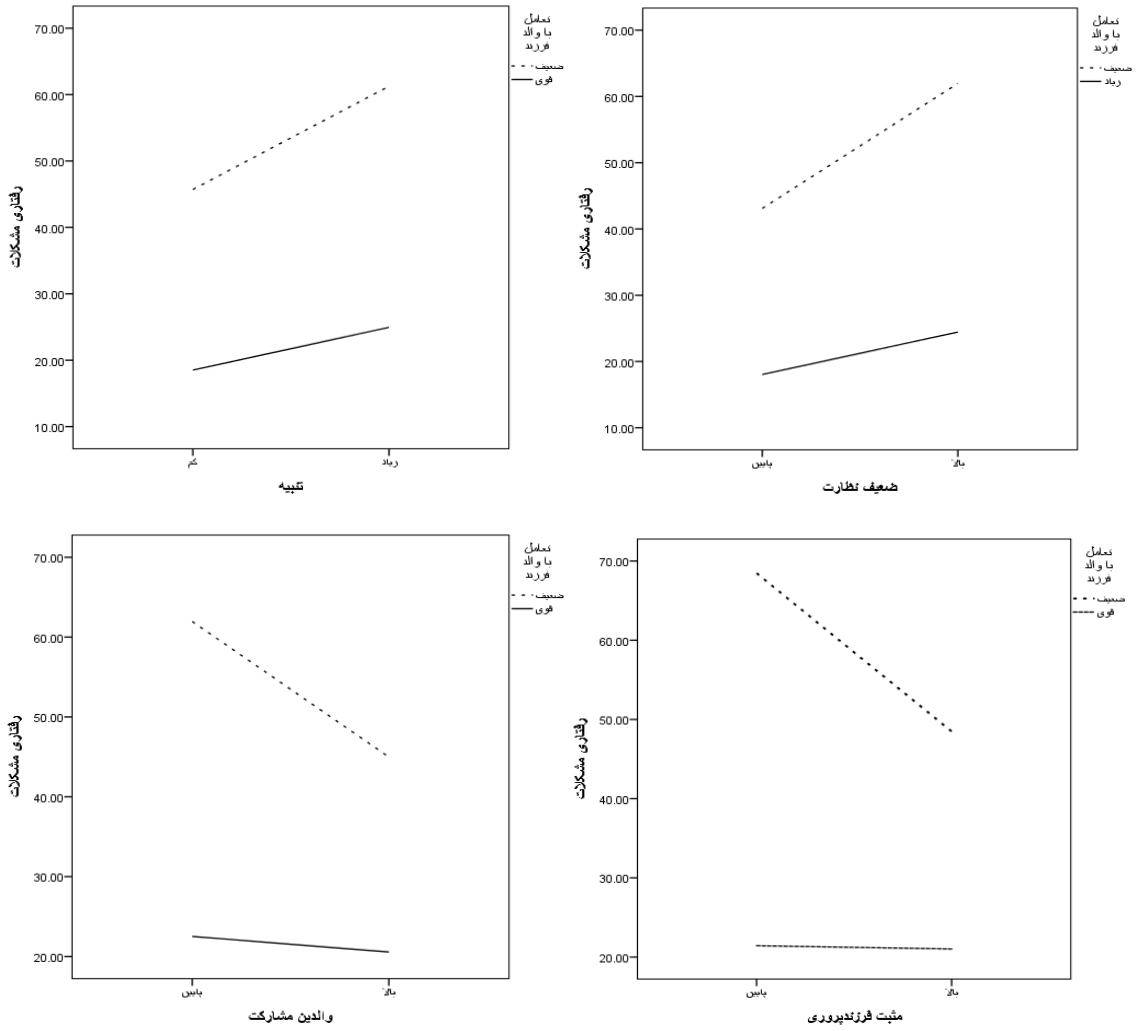
مدل		T	R	R^2(F)	R^2 change(F)
۱	ضعف نظارت	۲/۳۸*	۰/۷۶	۰/۵۷(۱۵۴/۸۷**)	۰/۰۰۵(۴/۱۰*)
	تعامل فرزند با پدر	-۲/۶۰**			
	ضعف نظارت×تعامل فرزند با پدر	-۲/۰۵*			
۲	فرزندپروری مثبت	-۳/۲۱**	۰/۷۶	۰/۵۸(۱۵۶/۴۵**)	۰/۰۱(۸/۹۵**)
	تعامل فرزند با پدر	-۷/۶۹**			
	فرزندپروری مثبت×تعامل فرزند با پدر	۲/۹۹**			
۳	مشارکت	-۲/۴۱*	۰/۷۵	۰/۵۷(۱۵۲/۹۱**)	۰/۰۰۷(۵/۶۴*)
	تعامل فرزند با پدر	-۷/۰۷**			
	مشارکت×تعامل فرزند با پدر	۲/۳۷*			
۴	تنبیه	۳/۷۴**	۰/۷۸	۰/۶۱(۱۷۵/۵۲**)	۰/۰۰۷(۶/۱۰*)
	تعامل فرزند با پدر	-۵/۴۲**			
	تنبیه×تعامل فرزند با پدر	-۲/۴۷*			

همان‌طوری جدول ۴ نشان می‌دهد که فرزند با پدر به‌طور منفی مشکلات رفتاری را پیش‌بینی می‌کند و همچنین تعامل فرزند با پدر روابط بین شیوه‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری را به‌طور معنی‌داری تعدیل می‌کند. بدین صورت که با وجود فرزندپروری مثبت اگر تعامل فرزند با پدر ضعیف باشد، مشکلات رفتاری همچنان بالا خواهد بود، به‌علاوه اگر والد از شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد استفاده کنند ولی تعامل فرزند با پدر قوی داشته باشد، میزان مشکلات رفتاری افزایش نخواهد یافت.

به‌منظور نمایش این اثر تعدیل‌گر، شرکت‌کنندگان بر اساس انحراف از میانگین، در دو متغیر شیوه های فرزندپروری و تعامل والد با فرزند به دو گروه بالا و پایین تقسیم شدند. سپس میانگین گروه های ایجاد شده در مشکلات رفتاری

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

محاسبه گردید. با توجه به اینکه نتایج مربوط نقش تعدیل گری روابط والد با فرزند و رابطه فرزند با پدر و مادر مشابه بود، برای نمونه نقش تعدیل گری والد با فرزند در روابط بین شیوه های فرزندپروری و مشکلات رفتاری در شکل۱ نشان داده شده است. شکل ۱ نشان می دهد ارتباط قوی والد با فرزند می تواند اثرات منفی شیوه های فرزندپروری ناکارآمد را کاهش دهد.



شکل۱: نحوه تعامل شیوه های فرزندپروری با ارتباط با فرزند در پیش بینی مشکلات رفتاری

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی تعامل والد -فرزند در ارتباط شیوه‌های فرزندپروری با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

نتایج تحقیق نشان داد که شیوه‌های تنبیه بدنی و عدم نظارت به‌طور مثبت و فرزندپروری مثبت و مشارکت به‌طور منفی با مشکلات رفتاری همبستگی داشت. تحقیق حاضر همسو با مطالعات گذشته است که ارتباط بین شیوه‌های نارکارآمد فرزندپروری چون تنبیه بدنی، شیوه‌های انضباطی خشن، نظارت ضعیف و مشارکت پایین والدین با مشکلات رفتاری فرزندان را تأیید کرده اند (فریک و همکاران، ۱۹۹۲؛ کانگر و همکاران، ۲۰۰۳؛ دادس و همکاران، ۲۰۰۳؛ اسپلمن و بناری، ۲۰۰۹؛ مارتینسون، ۲۰۱۱؛ فرگوسن، ۲۰۱۳؛ طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۵). خصومت و پرخاشگری والدین، این احساس را به کودک تلقین می‌کند که طرد شده‌اند یا دوست‌داشتنی نیستند. این کودکان نمی‌توانند با سایرین روابط باز و گرمی برقرار کنند. بیشتر تمایل به خشونت دارند، برای حل مسائلشان بیشتر دارای حالت دفاعی‌اند و اعتماد به نفس و خود کارامدی آنها آسیب دیده است. اگر میزان طرد کودک شدید باشد، نمی‌تواند یاد بگیرد که چگونه دیگران را دوست بدارد و به سختی می‌تواند دیگران را بپذیرد. در نتیجه تخریب روانی ناشی از طرد، این کودکان در مقابل استرس تحمل ندارند، از نظر هیجانی در مقایسه با کودکان پذیرفته شده، ثبات کمتری دارند، این کودکان نسبت به والدینشان تعارض بیشتری نشان می‌دهند، چرا که از طرد بیشتر والدین می‌ترسند. اگر والدین اجازه‌ی بروز این تعارض را به کودک ندهند، احتمالاً کودک این پرخاشگری را به صورت اشتغال ذهنی یا نگرانی، خواب‌ها یا خیال‌پردازی‌هایی با موضوع پرخاشگری و تصور خشونت نسبت به دیگران نشان می‌دهد (روهنر و خالکی، ۲۰۰۲). بر اساس نظریه‌ی دلبستگی، بدرفتاری والدین، کودکان را از ایجاد دلبستگی نسبت به مراقبین و دستیابی به مهارت‌های رشد و اجتماعی شدن مناسب باز می‌دارد که منجر به رفتارهای مخرب می‌شود (هیبارد و همکاران، ۲۰۱۲). رفتارهای غیرحساس ، بی‌واکنش و طرد والدین باعث دلبستگی ناامن می‌شود که ممکن است منجر به تصور دیگران به عنوان غیرقابل اعتماد و خصمانه شود. این تصورات ممکن است رفتار تهاجمی و هنجارشکنانه را در روابط اجتماعی برانگیزد (میشیلز[۱] و همکاران ، ۲۰۰۸). از دیدگاه یادگیری اجتماعی، تنبیه بدنی الگوی پرخاشگری است و ممکن است کودکان انتظار داشته باشند که رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه نتایج موفقی داشته باشد (کمپبل، شاو و گیلیوم[۲]، ۲۰۰۰). بر اساس نظریه‌ی خودتعیین‌گری، نافرمانی مقابله‌ای ممکن است زمانی اتفاق بیفتد که نیازهای کودک به خودمختاری به علت کنترل بیش از حد والدین برآورده نشود (سونس[۳] و همکاران، ۲۰۱۵). عدم پاسخگویی به نیازهای کودک و رفتار جستجوی تماس با افزایش خطر ابتلا به مشکلات رفتاری در کودکان همراه است (مک دانیل و رادسکی[۴]، ۲۰۱۸). زمانی که والدین توجهی به نیازهای کودکان ندارند و نظارتی بر رفتارهای آن‌ها نمی‌کنند یا در رابطه با کودکانشان از تنبیه

۱. Michiels

۲. Campbell, Shaw, & Gilliom

۳. Soenens, Vansteenkiste, & van Petegem

4. McDaniel,& Radesky

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

جسمانی استفاده می‌کنند، این قبیل برخوردها باعث می‌شود چنین کودکانی احساس دوست داشتنی بودن نکنند و در نتیجه به گوشه‌گیری، افسردگی یا پرخاشگری روی می‌آوردند.

نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که تعامل والد – فرزند به‌طور منفی با مشکلات رفتاری مرتبط بود. این یافته همسو با مطالعات اسکاراملا و لیو(۲۰۰۴)، بروتمان و همکاران (۲۰۰۹)، فنینگ و بیکر(۲۰۱۲)، جیوردانلو و همکاران (۲۰۱۶)، پولامین و همکاران (۲۰۱۹)، پاکدامن و همکاران (۱۳۹۰)، ساطوریان و همکاران (۱۳۹۵) و راد و همکاران (۱۳۹۷) می‌باشد.

والدینی که با فرزندان خود ارتباط مثبتی دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی متناسب با سن او را می‌دهند، دارای فرزندانی با مشکلات رفتاری کمتری هستند زیرا کودک به‌طور مثبت بیشتر مورد توجه قرار گرفته و نیاز ندارد که به‌وسیله‌ی رفتارهای منفی توجه والدین و دیگران را جلب کند (شی و هینشاو، ۲۰۰۲). تبیین دیگری که مطرح می‌شود این است که وقتی والدین به نیازهای فرزند خود حساس هستند و احساسات گرم خود را ابراز می‌کنند و درخواست‌های آنها برای کودک معقول و قابل فهم است، احتمالاً کودکان احساس امنیت و پذیرش می‌کنند و در نتیجه از توصیه‌های والدین پیروی می‌کنند. به علاوه نوجوانان تمایل بیشتری برای افشای اطلاعات در مورد فعالیت‌های خود دارند اگر آنها والدین خود را صمیمی و حامی درک کنند، این امر توانایی والدین را در اعمال کنترل رفتاری مناسب تسهیل می‌کند و رفتارهای مشکل‌ساز نوجوانان را کاهش می‌دهد (کلونی و هال[1]، ۲۰۱۴). گرمی و حمایت والدین نیز با علائم افسردگی کمتری مرتبط است، شاید تا حدی به دلیل صمیمیت والدین، عزت نفس نوجوانان را تقویت می‌کند و از استرس زندگی آن‌ها می‌کاهد (جانسون و گرینبرگ[2]، ۲۰۱۳). طبق نظریه‌ی طرد- پذیرش والدینی، کودکانی که از طرف والدین خود پذیرفته می‌شوند به احتمال زیاد رفتارهایی نظیر خصومت و پرخاشگری کمتر، اعتماد به نفس بالاتر، خودکفایی مثبت‌تر، ثبات عاطفی بیشتر، پاسخگویی هیجانی بیشتر و جهان‌بینی مثبت‌تر را بروز می‌دهند و وقتی از طرف والدین طرد می‌شوند رفتارهای نظیر اعتماد به نفس کمتر، وابستگی بیشتر، بی‌ثباتی عاطفی، احساس بی‌کفایتی، عدم پاسخ‌های عاطفی و جهان‌بینی منفی را نشان می‌دهند (روهنرو خالکی، ۲۰۰۲).

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تعامل والد با فرزند، روابط بین ضعف نظارت، تنبیه جسمانی، مشارکت والدین و فرزندپروری مثبت و مشکلات رفتاری را تعدیل می‌کند. نتایج حاکی از آن است که زمانی که تعامل والدین و فرزندان قوی باشد، شیوه‌های ناکارآمد نظارت ضعیف و تنبیه جسمانی، مشکلات رفتاری را افزایش نمی‌دهد. به عبارت دیگر اگر والدین فرزندان را تنبیه کنند ولی تعامل خود را با فرزندانشان حفظ کنند و تعارضات به وجود آمده را حل کنند، اثرات منفی تنبیه خنثی می‌شود. همچنین اگر والدین به دلیل مشغله، نظارت کافی بر فرزندان نداشته باشند اما با برقراری تعامل گرمی و صمیمی، زمینه‌ی اعتمادسازی بین والدین و فرزندان مهیا می‌شود بدین

1. Klevens & Hall
2. Johnson & Greenberg

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

صورت تأثیرات منفی نظارت ناکافی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر ممکن است والدین تلاش کنند از شیوه‌های کارآمد فرزندپروری یعنی کنترل توأم با پاسخگویی نسبت به فرزندانشان استفاده کنند ولی از مهارت‌های برقراری ارتباط صحیح با فرزندان برخوردار نباشند، شیوه‌ی فرزندپروری کارآمد و مثبت تأثیرات بازدارندگی برای جلوگیری از مشکلات رفتاری را نخواهد داشت.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که ادراک فرزند از تعامل با پدر روابط بین ضعف نظارت، تنبیه جسمانی، مشارکت والدین و فرزندپروری مثبت و مشکلات رفتاری را تعدیل می‌کند. بدین معنی که وقتی فرزندان تعارضات خود را با پدر حل کنند و تعامل کافی با پدر برقرار کنند، اثرات منفی شیوه‌های ناکارآمد مثل تنبیه و نظارت ضعیف بر رفتار فرزندان خنثی می‌شود. مصاحبت گرم و صمیمانه پدر و فرزند سبب می‌شود که فرزند اعتماد به نفس و صراحت بیشتری پیدا کند و در او نسبت به دیگران احساس احترام و محبت پدید آید.

همچنین تحقیق حاضر نشان داد که تعامل فرزند با مادر، روابط نظارت ضعیف و تنبیه بدنی با مشکلات رفتاری را تعدیل نمی‌کند در حالی‌که تعامل فرزند با مادر، روابط مشارکت و فرزندپروری مثبت با مشکلات رفتاری را تعدیل می‌کند. یعنی اگر مادر از شیوه های ناکارآمد فرزندپروری استفاده کند، نحوه‌ی تعامل فرزند با مادر، میزان مشکلات رفتاری را تغییر نخواهد داد اما اگر مادر از شیوه‌ی فرزندپروری کارآمد استفاده کند، نحوه‌ی تعامل فرزند با مادر، میزان مشکلات رفتاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این یافته به بدین صورت تبیین می‌شود که فرزندان معمولاً تعامل بیشتری با مادران دارند و ادراک فرزندان از مادر به‌صورت فرد گرم، صمیمی و پاسخگو است، بنابراین استفاده از شیوه‌هایی مثل تنبیه و عدم توجه کافی از طرف فرزندان ممکن است پذیرفتنی نباشد و به معنای طرد درک شود، بدین ترتیب اثرات منفی شیوه‌های ناکارآمد بر فرزندان از طریق برقراری تعامل با آن‌ها جبران نخواهد شد.

تحقیق حاضر با چندین محدود مواجه بود. اول این‌که نمونه مورد مطالعه دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم تا ششم شهر بجنورد بود که تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های سنی محدود می‌کند؛ دوم این‌که نقش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین و ویژگی‌های خود کودکان در رابطه با فرزندپروری و تعامل بین والدین و فرزندان با مشکلات رفتاری کنترل نشده، است و این ویژگی‌ها ممکن است نتایج تحقیق را متأثر کرده باشد؛ سوم این‌که ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های خودگزارشی بوده است که می‌تواند در پاسخ‌ها سوگیری وجود داشته باشد. با توجه به این محدودیت-ها، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی، موضوع مطالعه حاضر در بین سایر گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان نیز بررسی شود و نقش عوامل جمعیت‌شناختی والدین و ویژگی‌های خود فرزندان نیز مورد کنترل قرار گیرد. با توجه به یافته‌های این مطالعه، پیشنهاد می‌شود به والدین شیوه‌های صحیح فرزندپروری و تعامل با فرزندان آموزش داده شود تا از مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان پیشگیری شود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

در کل نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری مثبت و تعامل قوی بین فرزندان و والدین با مشکلات رفتاری کمتر فرزندان مرتبط است. همچنین تحقیق حاضر حاکی از آن است که تعامل قوی بین والدین و فرزندان می‌توان اثرات منفی شیوه‌های فرزندپروری نامناسب را کاهش دهد.

منابع

Abbass ghorbani M, Naghdi F. The relationship between parenting style and family functioning with preschool children's behavioral problems. Management and Educational Perspective, 2020; 2(1): 71-86. [Persian].

Brotman L M, O'Neal C R, Huang H Y, Gouley K K, Rosenfelt A, Shrout P E. An experimental test of parenting practices as a mediator of early childhood physical aggression. Journal of child psychology and psychiatry. 2009; 50(3): 235-245

Campbell SB, Shaw DS, Gilliom M. Early externalizing behavior problems: toddlers and preschoolers at risk for later maladjustment. Dev Psychopathol. 2000 Summer;12(3):467-88.

Capaldi D M, Patterson G R. Interrelated influences of contextual factors on antisocial behavior in childhood and adolescence for males. Progress in experimental personality & psychopathology research. 1994; 165-198.

Carnes-Holt K. Child–parent relationship therapy for adoptive families. The Family Journal. 2012; 20(4): 419-426

Chi T C, Hinshaw S P. Mother–child relationships of children with ADHD: The role of maternal depressive symptoms and depression-related distortions. Journal of abnormal child psychology. 2002; 30(4): 387-400.

Conners C K, Manual for Conners rating scales. Canada. Multi health system, Inc.1990

Conger R D, Neppl T, Kim K J, Scaramella L. Angry and aggressive behavior across three generations: A prospective, longitudinal study of parents and children. Journal of Abnormal Child Psychology. 2003; 31: 143-160.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Dadds M R, Maujean A, Fraser J A. Parenting and conduct problems in children: Australian data and psychometric properties of the Alabama Parenting Questionnaire. Australian Psychologist. 2003; 38: 238–241.

Delavar A. Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences..Roshd Publications. 2019[Persian].

Ferguson C J. Spanking, corporal punishment and negative long-term outcomes: A meta-analytic review of longitudinal studies. Clinical psychology review. 2013; 33(1): 196-208.

Fenning R M, Baker J K. Mother–child interaction and resilience in children with early developmental risk. Journal of Family Psychology. 2012; 26(3): 411-420.

Frick P J, Lahey B B, Loeber R, Stouthamer-Loeber M, Christ M A G, Hanson K. Familial risk factors to oppositional defiant disorder and conduct disorder: parental psychopathology and maternal parenting. Journal of consulting and clinical psychology. 1992; 60(1): 49.

Giordano P C, Johnson W L, Manning W D, Longmore M A. Parenting in adolescence and young adult intimate partner violence. Journal of Family Issues. 2016; 37(4): 443-465.

Hibbard, R., Barlow, J., MacMillan, H., & Committee on Child Abuse and Neglect. (2012). Psychological maltreatment. Pediatrics, 130(2), 372-378.

Holenstein. T. Rigidity in parent-child interaction early childhood. Journal of Abnormal Child Psychology. 2004; 32(4): 595-607.

Isanejad O. Ghasemi S Y. Khandan F. Examining the Factor Structure and Reliability of the Parent-Child Interaction Questionnaire (PACHIQ) among High School Students. Journal of Family Research, 2017; 13(2): 251-272 [Persian].

Kawabata Y, Alink L R, Tseng W L, Van Ijzendoorn M H, Crick N R. Maternal and paternal parenting styles associated with relational aggression in children and adolescents: A conceptual analysis and meta-analytic review. Developmental review. 2011; 31(4): 240-278.

Klevens J, Hall J. The importance of parental warmth, support, and control in preventing adolescent misbehavior. Journal of Child and Adolescent Behavior. 2014; 2(1): 121-129.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Kauffman J M, Landrum T J. Characteristics of emotional and behavioral disorders of children and youth (9th ed.). Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall. 2009.

Jahani H, Barzegari Esfeden Z, Jani M, Razmara M, Shahani S, Momeni K et al . The prevalence of behavioral disorders among school children in Qaen.2016-2017. Journal of Pediatric Nursing. 2018; 5 (1):38-45[Persian].

Johnson L E, Greenberg M T. Parenting and early adolescent internalizing: The importance of teasing apart anxiety and depressive symptoms. The Journal of Early Adolescence. 2013; 33(2): 201-226.

Lange A, Evers A, Jansen H, Dolan C. PACHIQ-R: The parent-child interaction questionnaire-revised. Family Process. 2002; 41(4): 709-722.

Lansford JE, Godwin J, Al-Hassan SM, Bacchini D, Bornstein MH, Chang L, Chen BB, Deater-Deckard K, Di Giunta L, Dodge KA, Malone PS, Oburu P, Pastorelli C, Skinner AT, Sorbring E, Steinberg L, Tapanya S, Alampay L P, Uribe Tirado L M, Zelli A. Longitudinal associations between parenting and youth adjustment in twelve cultural groups: Cultural normativeness of parenting as a moderator. Developmental Psychology.2018; 54(2): 362.

Martinussen, M. Predicting Parenting Stress: Children's Behavioural Problems and Parents' Coping. Infant and Child Development. 2011; 20: 162- 170

McDaniel B T, Radesky J S. Technoference: Parent distraction with technology and associations with child behavior problems. Child development.2018; 89(1): 100-109

McNeely C A, Barber B K. How do parents make adolescents feel loved? Perspectives on supportive parenting from adolescents in 12 cultures. Journal of Adolescent Research, 2010; 25(4): 601-631.

Michiels D, Grietens H, Onghena P, Kuppens S. Parent-child interactions and relational aggression in peer relationships. Developmental Review. 2008; 28(4): 522–540

Pakdaman M, Khamesan A, Baratie F. The role of mothers' parenting styles in the social maturity of adolescents. Journal of Educational Psychology Studies. 2012; 8(14): 23-41. [Persian].

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Pinquart M. Associations of parenting dimensions and styles with externalizing problems of children and adolescents: An updated meta-analysis. Developmental psychology. 2017; 53(5): 873.

Poulain T, Ludwig J, Hiemisch A, Hilbert A, Kiess W. Media Use of Mothers, Media Use of Children, and Parent-Child Interaction Are Related to Behavioral Difficulties and Strengths of Children. International Journal of Environmental Research and Public Health. 2019; 16(23):4651.

Prinz R J, Jones T L. Family-based interventions. In Conduct and Oppositional Defiant Disorders. (pp. 287-306). Routledge.2003.

Rad S, Alizadeh M, Habibi M, Ghanbari N. Predict behavioral problems based on life satisfaction, parent-adolescent conflict and the positive development of youth. Rooyesh. 2019; 7 (12) :27-48[Persian].

Renk K. Mothers' Perceptions of Young Children, Parenting, and Young Children's Behavior Problems, Child & Family Behavior Therapy. 2011; 33(2): 123-138

Rohner R P, Khaleque A. Parental Acceptance-Rejection and Life-Span Development: A Universal Perspective. Online Readings in Psychology and Culture. 2002; 6 (1):1-10

Rohner R P, Lansford J E. Deep structure of the human affectional system: Introduction to interpersonal acceptance-rejection theory. Journal of Family Theory & Review. 2017; 9(4): 426-440.

Samani S. Psychometric properties of the child form of Alabama Parenting Questionnaire (Persian Version). Psychological Methods and Models, 2011; 2(5): 17-29. [Persian].

Satoorian, A., Tahmassian, K., Ahmadi, M. R. The Role of Parenting Dimensions and Child-Parent Relationship in Children's Internalized and Externalized Behavioral Problems. Journal of Family Research, 2016; 12(4): 683-705. [Persian].

Scaramella L V, Leve L D. Clarifying parent-child reciprocities during early childhood: The early childhood coercion model. Clinical child and family psychology review.2004; 7(2): 89-107.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Shafipour S Z, Sheikhi A, Mirzaei M, KazemnezhadLeili E. Parenting styles and its relation with children's behavioral problems. Journal of Holistic and Nursing Midwifery 2015; 25 (2):49-56[Persian].

Shahaeian A, Shahim S, Yousefi F, Bashash L. Standardization, factor analysis, and reliability of conners specific short form the rating scale for children aged 6 to 11 years. Quarterly Psychological Studies. 2007; 3(3): 97-120. [Persian]

Soenens B, Vansteenkiste M, Van Petegem S. Let us not throw out the baby with the bathwater: Applying the principle of universalism without uniformity to autonomy- supportive and controlling parenting. Child Development Perspectives. 2015; 9(1): 44-49.

Spielman V, Ben-Ari O. Parental Self-Efficacy and Stress-Related Growth in the Transition to Parenthood: A Comparison between Parents of Pre- and Full-Term Babies. Health and Social Work. 2009; 34(3): 201-212.

Suzuki H, Yoda T, Kanda K, Nishimoto N, Miyatake N, Konishi Y, Nishida T, Yokoyama K, Kusaka T, Hirao T. Behavior problems and dysfunctional parenting: Cross- sectional study in Japan. Pediatrics International 2019; 61(11): 1096-1102.

Yap M B.H, Pilkington P D, Ryan S M, Jorm A F. Parental factors associated with depression and anxiety in young people: A systematic review and meta-analysis. Journal of affective disorders. 2014; 156: 8-23.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]

The moderating role of parent-child interaction in relationship between parenting practices and behavioral problems of elementary students

malahat amani[1*], robabeh nemati[2];

Abstract

The aim of this study was to investigate the moderating role of parent-child interaction in relationship of parenting practices with behavioral problems of elementary students. The method was descriptive-correlational. The statistical population was all students of secondary elementary and their parents in Bojnourd. Three hundred and seventy two students of secondary elementary were selected by cluster sampling. The Alabama Parenting Questionnaire (Frick, 1991), Parent-Child Interaction (Lange et al, 2002) and rating behavior problems Scale (Connors, 1990) were completed by participants. Data were analyzed by correlation and Hayes regression analysis. The results showed that the dimensions of corporal punishment and lack of parental supervision were positively correlated and the dimensions of parenting and participation were negatively correlated with behavioral problems. Parent-child interaction was also negatively associated with behavioral problems. The results of Hayes regression analysis showed that parent-child interaction, child-mother interaction and child-father interaction moderate the relationships of parenting dimensions of poor supervision, corporal punishment, parent-child participation and positive parenting with behavioral problems. The results show that when parent-child interaction is strong, ineffective methods of poor supervision and corporal punishment do not increase behavioral problems. Also, despite positive parenting, behavioral problems will not be reduced if there is no strong interaction with the children. Therefore, the impact of parenting on behavioral problems is influenced by the parent-child interaction.

Keywords: parenting, parent-child interaction, behavioral problems.

1. Associate Professor of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
*Corresponding Author: m.amani@uma.ac.ir
2. Secretary of Education, North Khorasan, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-11]